

# الدَّرْسُ الْأَوَّلُ

إِلَهِي إِلَهِي فَقِيرٌ أَتَاكَ!

إِلَهِي

﴿هَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً، إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ﴾

﴿رَبَّنَا وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَى رُسُلِكَ ...

يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُحْضَرًا﴾

اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِي قَلْبِي نُورًا وَبَصْرًا وَفَهْمًا وَعِلْمًا.

اللَّهُمَّ أَنْطِقْنِي بِالْهُدَى وَالْهِمْنِي التَّقْوَى وَوَفِّقْنِي لِتِي هِيَ أَرْكَى.

إِلَهِي إِنْ كُنْتُ غَيْرَ مُسْتَأْهِلٍ لِرَحْمَتِكَ فَأَنْتَ أَهْلٌ أَنْ تَجُودَ عَلَيَّ بِفَضْلِ سَعَتِكَ.

﴿وَاللَّهُ يَعِدُكُمْ مَغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا﴾

إِلَهِي

لِقَاكَ هَوَايَ رِضَاكَ مُنَايَ فَهَبْ لِي لِقَاكَ وَهَبْ لِي رِضَاكَ

دع : الأمر من ودع : أترك

تلق : المضارع من تلقى : تنظر

تهوى : تحب

هب : الأمر من وهب : أعط

أركى : أفضل

١ انتخب عنواناً آخر للنص على حسب ذوقك:

○ رضاك مُنْاي      ○ إلهام التقوى      ○ إلهي وفَّقني لما تحب

٢ املأ الفراغ بالكلمة المناسبة:

(قلوبنا، تفضَّل، يتفضَّل، رضاك، رضاي، لقاءك، مغفرة)

١ إلهي إن كنتُ غيرَ مستأهلٍ لرحمتك فأنتَ أهلٌّ أن ... عليّ.

٢ إلهي هبْ لي ... و ... فيأثرك أنتَ الوهاب.

٣ إنَّ اللهَ يَعِدُّنا ... منه.

٤ اللَّهُمَّ اجْعَلْ في ... إيماناً وعلماً.

٣ للتعريب:

خدايا! محبتت را در قلب من قرار ده.

پروردگارا! آنچه را که به صالحان وعده داده ای به من عطا کن.



# صحيح فعل معتل مثال أجوف



تاکنون با فعل‌های بسیاری آشنا شده‌ایم. ریشه یا ماده‌ی بسیاری از این فعل‌ها از سه حرف تشکیل شده است؛ مانند: قرأ، یکتب (کتب)، فَرَحَ (فرح)، اکتَسَبَ (کسب)، استَخْرَجَ (خرج). هرگاه ماده‌ی فعل دارای یکی از حروف «ا - و - ی» باشد گاهی حالتی پیش می‌آید که تلفظ کلمه در زبان عربی یا دشوار می‌گردد و یا غیر ممکن! از این رو وزن و الگوهای در مورد این گونه فعل‌ها ایجاد می‌شود که با وزن‌هایی که می‌شناسیم هماهنگی ظاهری ندارد.

با وزن افعالی مانند: کَتَبَ، یَجْلِسُ، أَشْكُرُ آشنا هستیم اینک به نمونه‌های ذیل توجه

قال - بیع - اذع

کنیم:

آیا این دو نمونه از وزن و آهنگ و موسیقی یکسانی برخوردار هستند؟ در زبان عربی آهنگ و موسیقی متوازن در میان حروف کلمات اهمیت فراوانی دارد. از این رو هرگاه خللی در این توازن ایجاد شود، تغییراتی را در کلمه ایجاب می‌کند. در این درس و درس آینده می‌خواهیم با این گونه افعال که «معتل» نامیده می‌شوند آشنا شویم.

❖ فایده‌ی آموختن فعل معتل

فعل یکی از ارکان اصلی جمله است. کمتر عبارت و جمله‌ای پیدا می‌شود که در آن فعلی به کار نرفته باشد. **فعل‌های معتل** در زبان عربی کاربرد زیادی دارند، از این رو یادگیری این بحث به دریافت و درک معانی، کمک فراوانی می‌کند.

حال چگونه این درس را بیاموزیم؟



در سال‌های گذشته فعل و کاربرد آن را شناختیم و با وزن و آهنگ آن آشنا شدیم. از آن جا که ساختن صیغه‌های مختلف در همه‌ی افعال از یک اسلوب و روش، تبعیت می‌کند، برای آمادگی در این درس باید فعل‌های صحیح بسیاری را در صیغه‌های مختلف تمرین کنیم. در مرحله‌ی دوم به سراغ فعل‌های معتل می‌رویم و با تبعیت از الگوهایی که داده خواهد شد آن قدر تمرین و تکرار نماییم تا آهنگ و وزن این افعال، ملکه‌ی ذهن ما شود. بنابراین برای یادگیری صیغه‌های فعل معتل مراحل ذیل را انجام دهیم:

❶ تکرار و تمرین با فعل‌های صحیح (ساخت، ترجمه، تغییر یک زمان به زمان دیگر و...)

❷ ساختن صیغه‌های مختلف افعال معتل و ترجمه‌ی آن‌ها براساس ساخت فعل‌های صحیح، و الگوبرداری از نمونه‌هایی که داده خواهد شد.

روش پرسش و پاسخ و انجام مسابقه و تکرار و تمرین و ملکه‌سازی، راه یادگیری فعل‌های معتل است.

به الگوی زیر توجه کنیم :

مثال

وَعَدَ ← يَعِدُ ← وَهَبَ ← يَهَبُ

چه تغییری در فعل مضارع مشاهده می‌کنیم؟  
 آیا حروف فعل ماضی، همگی در مضارع آن فعل وجود دارند؟  
 اکنون مطابق الگوی فوق، جای خالی را پر کنیم :

وَصَلَ ← ... ← وَدَعَ ← ...

حال زمان تکرار و تمرین است!  
 صیغه‌های مختلف ماضی و مضارع فعل‌های فوق را در کلاس تمرین کنیم.

کاربر

فعل‌های امر را که به خاطر می‌آورید!

برای ساختن فعل امر مخاطب چه کارهایی انجام می‌دادیم؟  
 برای یادآوری آموخته‌ها، با ضمائر مختلف، صیغه‌های فعل امر را مرور کنیم!

و اما فعل‌های معتل :

تَعِدُ	امر مخاطب ...	تَعِدِينَ	امر مخاطب ...
تَعِدَانِ	امر مخاطب ...	تَعِدَانِ	امر مخاطب ...
تَعِدُونَ	امر مخاطب ...	تَعِدْنَ	امر مخاطب ...

حال فعل‌های دیگر صیغه‌های امر مخاطب را تمرین کنیم.



عَيِّنْ مَادَةَ الْأَفْعَالِ التَّالِيَةِ:

يَقِفُ، يَدْعُونَ، تَصِفُنَ، تَهْبُونَ



أجوف

به آهنگ و موسیقی کلمات ذیل توجه کنیم:

قال، باع، كان، سار، فاز، دار، رام، ذاق، فات، جاء، مات، جال

این کلمات فعل هستند، اما صیغه های چهارده گانه ی آن ها چگونه ساخته می شود؟

به دو الگوی زیر توجه کنیم:

<p>بَاعَ    جمع مؤنث    بِغْنًا<sup>۲</sup></p>	<p>قَالَ    جمع مؤنث    قُلْنًا<sup>۱</sup></p>
<p>سَارَ    سِرْنًا</p>	<p>عَادَ    عُدْنًا</p>

چه تغییری را مشاهده می کنیم؟

در صیغه ی جمع مؤنث چه حرفی حذف شده است؟

اکنون با استفاده از الگوی فوق، جاهای خالی را پر کنیم:

<p>جاء    ...</p>	<p>فاز    ...</p>
<p>كاد    ...</p>	<p>ذاق    ...</p>

۱) اِمْلَأِ الْفَرَاغَ بِالْفِعْلِ الْمَاضِي:

\* أنت ... (سار)    \* هي ... (عاد)    \* أنا ... (باع)

۱ و ۲- تمام صیغه های مخاطب و متکلم بر وزن همین صیغه ی اخیر هستند و همین گونه صرف می شوند.

۲ عَرَّبِ الْأَفْعَالِ التَّالِيَةِ:

گفتم - رستگار شدیم - حرکت کردند - گفتید

۳ اِمْلَأِ الْفُرَاقَ بِالضَّمِيرِ الْمُنَاسِبِ:

... فُزْنَا - ... عُدْنَا

... بَعْتُمْ - ... تَابَا

... سَارُوا - ... قُلْتُمَا



فعل های مضارع صیغه های فوق، چگونه ساخته می شوند؟

به الگوی زیر توجه کنیم:

قال <sup>۱</sup> - یقول <sup>۲</sup> سار - یسير

عاد <sup>۱</sup> - یعود <sup>۲</sup> باع - بیع

فعل های مضارع گروه ۱ و ۲ چگونه ساخته شدند؟

به جای حرف الف چه حرفی جانشین شده است؟

آیا می توانید علت آمدن «واو» (در گروه ۱) و «یاء» (در گروه ۲) را حدس بزنید؟

اکنون طبق الگوی فوق، جاهای خالی را پر کنیم:

عاش <sup>۱</sup> - ...

تاب <sup>۱</sup> - ...

لاق <sup>۱</sup> - ...

عاد <sup>۱</sup> - ...



اِمْلَأِ الْفُرَاقَ بِالْفِعْلِ الْمَضْرَعِ:

هم ... (باع <sup>۱</sup>)

هي ... (جال <sup>۱</sup>)

هم ... (قال <sup>۱</sup>)

هما ... (لاق <sup>۱</sup>)

اکنون به الگوی زیر توجه کنیم :

يَسِيرُ للغائبات

يَسِرْنَ

يَقُولُ للغائبات

يَقُلْنَ

۲

يَبِيعُ للغائبات

يَبِعْنَ

يَعُودُ للغائبات

يَعُدْنَ

۱

- ✓ در صیغه‌های جمع مؤنث چه حرفی حذف شده است؟
- ✓ آیا شباهت و تفاوتی میان گروه ۱ و ۲ ملاحظه می‌کنیم؟
- ✓ آیا می‌توانید بگویید صیغه‌ی «جمع مؤنث مخاطب» (لِلْمُخَاطَبَاتِ) فعل‌های فوق چه می‌شود؟

برای ساختن و به کار بردن فعل امر از فعل‌های اجوف به الگوی زیر توجه کنیم :

تَسِيرُ

سِرْ

تَقُولُ

قُلْ

تَبِيعُ

بِعْ

تَعُودُ

عُدْ

اکنون طبق الگوی فوق، جاهای خالی را پر کنیم :

تَعِيشُ

...

تَكُونُ

...

تَجِيءُ

...

تَفُوزُ

...



اما صیغه‌های دیگر فعل امر :  
به الگوی زیر توجه کنیم :

سیرِی	سِرْ	فُولِی	قُلْ
سیرا	سِیرا	فُولا	قُولا
سِرْنَ	سِیروا	قُلْنَ	قُولوا

**تدریب**  حال طبق الگوی فوق، جاهای خالی را پر کنیم :

	بِعْ	عُدْ
...	...	...
...	...	...

با فعل‌های دیگر نیز، فعل امر بسازیم و به صورت مسابقه و پرسش و پاسخ، تمرین و تکرار کنیم تا صیغه‌های مختلف ملکه‌ی ذهن ما شود!

## مکعبها

① به الگوی ذیل توجه کنیم :

لَمْ + يَفْعُلُ ← لَمْ يَفْعُلْ      لَمْ + يَسِيرُ ← لَمْ يَسِيرْ

اکنون مطابق الگوی فوق، جاهای خالی را پر کنیم :

لَمْ + يَعُودُ      ...  
لَمْ + تَفُورُ      ...  
لَمْ + تَتَوَّبُ      ...  
لَمْ + يَبِيعُ      ...  
لَمْ + تَعِيشُ      ...  
لَمْ + نَسِيرُ      ...

بنابراین فعل‌های اجوف بدون ضمیر بارز، هرگاه مجزوم شوند، حرف عله‌ی آن‌ها ... می‌شود.

② فعل‌هایی مانند «خاف - يخاف» که مضارع آن‌ها دارای «الف» است، در امر و مضارع مجزوم،

فاء الفعل آن‌ها مفتوح می‌باشد : خَفَ - لَمْ يَخَفْ

## تَمَارِين

### الْعَمْرَيْنِ الْأَوَّلِ



#### لِلتَّطْبِيقِ

إِقْرَأِ النَّصَّ التَّالِيَّ ثُمَّ أَجِبْ عَمَّا يَلِي:  
سَأَلَ أَحَدَ الْأُمَرَاءِ حُكَمَاءَ بِلَادِهِ عَن  
أَخْطَرِ الْأَمْرَاضِ وَطَلَّبَ مِنْهُمْ أَنْ

يَصِفُوا لَهُ دَوَاءً يُفِيدُ لِشِفَائِهِ. فَدَارَ الْكَلَامُ بَيْنَهُمْ،

ثُمَّ قَالُوا: أَخْطَرُ الْأَمْرَاضِ هُوَ الْجَهْلُ وَدَوَاؤُهُ الْحَبْرُ وَالْقَلَمُ،

فَيَسْتَطِيعُ الْإِنْسَانُ بِهِمَا أَنْ يَكْتُبَ وَيَتَعَلَّمَ وَيَصِلَ إِلَى أَهْدَافِهِ، فَيَفُوزَ فِي حَيَاتِهِ!

❶ عَيْنَ الْأَفْعَالِ الْمُعْتَلَّةِ وَادْكُرْ مَعْنَاهَا.

❷ مَا هُوَ أَخْطَرُ الْأَمْرَاضِ لِلْإِنْسَانِ وَمَا هُوَ دَوَاؤُهُ؟



### الْعَمْرَيْنِ الثَّانِي

#### إِمْلَأِ الْفُرَاقَ:

❶ ﴿... لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً!﴾ (الْأَمْرُ لِلْمُخَاطَبِ مِنْ وَهَبٍ -)

❷ ﴿إِنَّ الْأَرْضَ... هَا عِبَادِي الصَّالِحُونَ﴾ (الْمُضَارِعُ لِلْغَائِبِ مِنْ وَرِثٍ -)

❸ ﴿إِنِّي... اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ﴾ (يَخَافُ)

❹ ﴿فُلْنَا: ... إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَى﴾ (الْمَجْزُومُ بِ«لَا» مِنْ خَافَ -)

❺ ﴿... عَلَيْنَا، إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَابُ الرَّحِيمُ﴾ (الْأَمْرُ لِلْمُخَاطَبِ مِنْ تَابَ -)

۱ به ویژگی فعل از قبیل : زمان، صیغه، لازم و متعدی بودن توجه کنیم.

۲ پاره‌ای از افعال با حروف جرّ خاصی به کار می‌روند. باید توجه کنیم که گاهی به ترجمه‌ی این حروف نیازی نیست؛ مانند: عَزَمَ عَلَيَّ: تصمیم گرفت، بَحَثَ عَنِ: جستجو کرد، شَعَرَ بِ: احساس کرد، أَخَذَ بِ: گرفت

متن زیر را بخوانیم و ترجمه کنیم:



## تربیه الأطفال

الإِسْلَامُ يَهْتَمُّ بِالتَّرْبِيَةِ الَّتِي تَقُومُ عَلَيَّ أُسَاسِ  
احْتِرَامِ شَخْصِيَّةِ الأَطْفَالِ مِنَ البَنِينَ وَالبَنَاتِ عَلَيَّ حَدِّ  
سَوَاءٍ.

تقویت قوه‌ی درک و فهم عبارات، از مهم‌ترین اهداف آموزش زبان عربی است.

ترجمه، حرفه‌ای هنرمندانه، دقیق و عالمانه است. جامعه‌ی امروز ما به چنین مترجمان ماهری نیاز فراوان دارد.

كَانَ النَّبِيُّ (ص) دَائِمًا التَّأَكُّدِ عَلَيَّ ذَلِكَ وَلا يَدَعُ

التَّأَكُّدِ عَلَيَّ احْتِرَامِ الصَّغَارِ. ذَاتِ يَوْمٍ كَانَ رَجُلٌ جَالِسًا عِنْدَ النَّبِيِّ (ص). وَبَعْدَ لِحْظَاتٍ جَاءَ ابْنُهُ الصَّغِيرُ وَسَلَّمْ عَلَيَّ النَّبِيِّ (ص) ثُمَّ رَاحَ نَحْوَ أَبِيهِ، فَقَبَّلَهُ الأَبُ وَاجْلَسَهُ عِنْدَهُ. فَرِحَ رَسولُ اللَّهِ (ص) مِنْ عَمَلِهِ. وَبَعْدَ قَلِيلٍ جَاءَتْ بِنْتُهُ وَسَلَّمَتْ عَلَيَّ النَّبِيِّ (ص) ثُمَّ رَاحَتْ نَحْوَ أَبِيهَا. أَمَّا

با مهارت یافتن در ترجمه، می‌توانیم به آینده‌ی کشور خود بیشتر خدمت کنیم.

الأَبُ فَلَمْ يَقْبَلْهَا وَلَمْ يُجْلِسْهَا عِنْدَهُ. انْزَعَجَ رَسولُ اللَّهِ (ص) مِنْ فِعْلِهِ وَقَالَ: لِمَ تَفَرِّقُ بَيْنَ أطفَالِكَ؟! شَعَرَ الرَّجُلُ بِالنَّدَمِ، فَجَاءَ وَأَخَذَ بِيَدِهَا وَقَبَّلَهَا وَاجْلَسَهَا عِنْدَهُ.

قواعدی را که می‌آموزیم، در هنگام ترجمه، آن‌ها را مدنظر قرار دهیم و بکار بندیم.

## نحو و بلاغت

فایده‌ی علم نحو، کمک به دریافت معنای صحیح عبارات است. از این رو عالمان و بزرگان ادب در اوایل ظهور اسلام، قائل به تفکیک مسائل نحوی از بلاغت نبودند. اما با گذشت زمان، اهداف این دو از یکدیگر چندان فاصله گرفت که گویی «نحو» می‌بایست در وادی «فعل و فاعل و مبتدا و خبر...» سیر کند و بلاغت در معنای عبارات و جمال و زیبایی آن‌ها! در این صفحات برآنیم که میان آموخته‌های «نحو»ی خود با مسائل بلاغی ارتباطی برقرار کنیم؛ باشد که از این رهگذر و با این نگاه دوباره به متون ادبی، روح و روان تازه‌ای بگیریم! إن شاء الله

## اعجاز قرآن

«نظم قرآن» یعنی آن که هر واژه بنا به علتی در جای خود آمده، تقدیم مفعول بر فاعل، تأکید جمله و... هر کدام علت و سببی دارد.

اگر معجزه‌ی موسی (ع) ازدها شدن عصای او و معجزه‌ی عیسی مسیح (ع) زنده کردن مردگان و شفای بیماران بود، معجزه‌ی پیامبر اسلام «کتاب» بود. کتابی که برای «خواندن» نازل شد و مهمترین اعجاز آن فصاحت و بلاغت و نظم موجود در آیات و کلماتش بود!

اعجاز قرآن در نظم آن نهفته است.

برای یافتن اعجاز قرآن می‌بایست از «نحو» و «بلاغت» مدد جست! کلمات به کار رفته در آیات قرآنی و جایگاه آن‌ها در جمله، هر یک در پی اثبات معنایی خاص هستند. به گونه‌ای که جا به جا کردن یا تغییر دادن آن‌ها با کلمات دیگر، معنای عبارت را تغییر می‌دهد و گاهی دگرگون می‌سازد. به عبارت دیگر، هنگام قرائت آیات قرآنی می‌بایست دائماً در صدد یافتن پاسخی برای این سؤال باشیم که مثلاً چرا این واژه در این جا به شکل اسم آمده و نه فعل؟ چرا جمله‌ی اسمیه و نه فعلیه؟ چرا این حرف عطف و نه دیگری؟ چرا معرفه و نه نکره؟ و...

این چنین است که نظم قرآن در عالی‌ترین شکل خود سامان‌دهی شده، آن گونه که در طول قرن‌ها با وجود دعوت عام از همه‌ی فصحا و بلغا و خطیبان ماهر به آوردن حتی یک سوره همانند آیات قرآنی، کسی نتوانسته با آن هم‌اوردی کند یا به محاجه برخیزد!



اقْرَأِ الدَّعَاءَ التَّالِيَّ وَتَرْجَمَهُ:

إِلَهِي! إِنْ حَرَمْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَرْزُقُنِي! وَإِنْ  
خَذَلْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُنِي! إِلَهِي أَعُوذُ بِكَ مِنْ  
غَضَبِكَ وَحُلُولِ سَخَطِكَ! إِلَهِي إِنْ كُنْتُ غَيْرَ مُسْتَأْهِلٍ  
لِرَحْمَتِكَ فَأَنْتَ أَهْلٌ أَنْ تَجُودَ عَلَيَّ بِفَضْلِ سَعَتِكَ!  
«المناجاة الشعبانية»

حلول = حلول كردن، نازل شدن

خَذَل = یاری نکرد، خوار و ضعیف ساخت

سَخَط = خشم و غضب

سعة = توانگری و نعمت

مستأهل = شایسته و «أهل»



## فعالیت‌های دانش‌آموزی



تلاش کنیم که از روزهای آغازین درس و مدرسه، همراه با کتاب درسی، فعالیت‌های جنبی آموزشی را نیز در دستور کار خود قرار دهیم. این قبیل تلاش‌ها، علاوه بر تثبیت آموخته‌ها و عملی کردن تئوری‌های آموخته شده، به نشاط و فعالیت و تحرک بهتر در مسیر یادگیری می‌انجامد.

فعالیت‌هایی که در طول سال تحصیلی می‌توانیم انجام دهیم عبارتند از:

- تهیه‌ی ماهنامه و یا فصل‌نامه‌های دیواری
- برپایی نمایشگاه‌های مختلف پیرامون ساخت وسایل کمک‌آموزشی، تحقیقات و پژوهش‌ها و ...
- برپایی همایش ترجمه و ...
- تشکیل گروه‌های درسی از قبیل: گروه ترجمه، گروه قواعد، گروه مکالمه و ...
- تشکیل کلاس‌های مکالمه به زبان عربی
- و ...



## الدَّرْس الثَّانِي

### شَمْسُ الْعَدَالَةِ

### المَشْهُدُ الأوَّل

— أَسْمِعْتُمْ أَنَّ خَلِيفَةَ الْمُسْلِمِينَ يَأْتِي إِلَى مَدِينَةِ الْأَنْبَارِ؟

مدينة الأنبار

— نَعَمْ ... وَسَنَسْتَقْبِلُهُ بِخَفَاوَةٍ.

— سوف نستقبله كما كُنَّا

— يَجِبُ أَنْ لَا نَسْمَحَ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ أَنْ يَأْتُوا إِلَى الْإِسْتِقْبَالِ!

نَسْتَقْبِلُ مُلُوكَنَا السَّاسَانِيِّينَ فِي  
الْمَاضِي!

— حَسَنٌ ... حَسَنٌ ...!

خَرَجَ الْأَغْنِيَاءُ وَالْمُتْرَفُونَ إِلَى بَابِ الْمَدِينَةِ.

في اليوم الموعود

جاء الأمير ...

جاء الأمير ...



حينئذٍ نَزَلَ الزَّاكِبُونَ مِنْ مَرَاجِبِهِمْ لِاسْتِقْبَالِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَقَامُوا بِتَبَجِيلِهِ كَعَادَتِهِمْ فِي اسْتِقْبَالِ الْمُلُوكِ...

— هَذَا خُلِقَ مِنَّا  
نُعْظَمُ بِهِ الْأُمَرَاءُ!

مَا أَرَدْتُمْ بِهَذَا الَّذِي صَنَعْتُمْ؟

تَعَجَّبَ الْإِمَامُ عَلِيُّ (ع)  
مِنْ عَمَلِهِمْ فَصَاحَ:

— وَمَاذَا يَنْتَفِعُ الْأُمَرَاءُ بِهَذِهِ الْأَعْمَالِ؟! إِنَّكُمْ لَتَشْقُونَ  
عَلَى أَنْفُسِكُمْ عَبَثًا!

1 — أَيُّهَا الْأَمِيرُ...! قَدْ هَيَّأْنَا لَكَ وَ لِمُرَافِقِيكَ طَعَامًا وَ لِدَوَابِّكُمْ عِلْفًا كَثِيرًا! أَيُّهَا الْخَلِيفَةُ! هَذِهِ

هَدَايَا، ... مِنْ  
الْأَمْوَالِ وَالِدَوَابِّ  
و... تَعَوَّدْنَا أَنْ نُقَدِّمَ  
مِثْلَهَا لِلْمُلُوكِ...  
نَرْجُو أَنْ تَقْبَلَهَا...!

2 — إِنَّنَا نَأْبَى أَنْ نَأْكُلَ مِنْ  
أَمْوَالِكُمْ شَيْئًا إِلَّا بِدَفْعِ الثَّمَنِ.

لا... لا...! إِنَّ أِبْعَضَكُمْ أَحَدٌ  
فَأَخْبِرُونَا!

— إِنْ أَحْبَبْتُمْ أَنْ نَأْخُذَهَا فَلَا بَأْسَ...! نَحْسِبُهَا مِنْ خَرَاجِكُمْ!

— أَتَمْنَعُنَا أَنْ نُهْدِيَ؟!  
وَقَدْ تَعَوَّدْنَا أَنْ نَأْمَنَ

غَضَبَ الْمُلُوكِ  
بِتَقْدِيمِ الْهَدَايَا!

كانت الأيام قريبةً من عيد الأضحى... فكان الناس في فرحٍ و سُورٍ.

ذهبت ابنة أمير المؤمنين إلى مسؤول بيت المال و استعارت منه عقداً لؤلؤ لمدّة ثلاثة أيام...

رأى عليّ (ع) العقداً عليها فأخذها وجاء إلى مسؤول بيت المال و قال:

— ما هذا؟! أتخونُ المسلمين؟!

— يا عليّ! ما نسيتُ عهدي  
و مسؤوليتي! إنها قد أخذت العقداً أمانةً  
مردودةً مضمونةً...



سَمِعَتْ ابنته بالأمر فقالت:

يا أبتاه...! أنا بنتُ خليفة  
المسلمين...!

— إنها لو كانت أخذتها على غير أمانةٍ  
لَقَطَعْتُ يدها على سَرِقَةٍ!... إحدَر أن تَعوَدَ  
لمثلِ هذا العملِ وإلا تَنالُكَ عِقوبتي!

فأجاب:

يا بنتَ عليّ بنِ أبي طالبٍ!  
أَتَزَيَّنُ كُلَّ نساءِ المهاجرينِ في  
مثلِ هذا العيدِ بمثلِ هذا؟!



١) اِنْتخِبْ عِنَاوَانَا آخَرَ لِلنَّصِّ (على حسب ذوقك):

خليفة الحقّ ✨ استقبال الخليفة ✨ تعظيم الأمراء

٢) عَيِّنِ الصَّحِيحَ عَلَى حَسَبِ النَّصِّ:

- ١) خَرَجَ الْأَغْنِيَاءُ وَالْفُقَرَاءُ إِلَى بَابِ الْمَدِينَةِ لِاسْتِقْبَالِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ.
- ٢) تَعَجَّبَ الْإِمَامُ (ع) عِنْدَمَا نَزَلَ التَّرَاكِبُونَ مِنْ مَرَاكِبِهِمْ لِتَبْجِيلِهِ.
- ٣) عَاتَبَ الْإِمَامُ مَسْؤُولَ بَيْتِ الْمَالِ.
- ٤) كَانَتْ اسْتِعَارَةُ الْعِقْدِ لِمُدَّةِ أُسْبُوعَيْنِ.

٣) اِجْعَلِي فِي الْفُرَاغِ الْكَلِمَةَ الْمُنَاسِبَةَ:

- ١) الْأَغْنِيَاءُ لَمْ يَسْمَحُوا لِلْفُقَرَاءِ أَنْ ... إِلَى الْاسْتِقْبَالِ.
- ٢) اسْتَقْبَلُوا الْإِمَامَ (ع) كَمَا ... الْمُلُوكِ.
- ٣) اسْتَعَارَتْ بِنْتُ الْإِمَامِ (ع) ... .





بین سیبویه و کسائی دو نحوی مشهور قرن دوم هجری، اختلاف نظری پیش آمد. اختلاف نظر راجع به اعراب کلمه‌ای بود در یک ضرب‌المثل عربی! موضوع اختلاف بالا گرفت و به دربار خلیفه‌ی وقت رسید.

از نظر قواعد نحوی حق با سیبویه بود، ولی خلیفه جانب کسائی را گرفته بود. برای فیصله دادن اختلاف، از مردی بدوی که از فصاحت زبان عربی برخوردار بود کمک خواستند تا بین آنها حکم شود، مشروط بر این که ضرب‌المثل را آن گونه که کسائی معتقد بود بر زبان راند. مرد عرب زیربار نرفت و گفت: زبان من جز بر سخن صحیح نمی‌رود و قادر بر ادای کلام غلط نیست!

و چون خلیفه بر جانبداری خود از کسائی اصرار می‌ورزید قرار شد در مجلس داوری، شخص ثالثی، جمله‌ی مورد نزاع را مطابق گفته‌ی کسائی بر زبان راند و آن عرب فصیح بدون ادا کردن جمله، فقط بگوید: آری حق با کسائی است!

غرض از آوردن این واقعه‌ی تاریخی آن بود که نشان داده شود تلفظ عبارات و کلمات و به کارگیری هر یک در جای خود، تا چه اندازه حساس و قابل اهمیت است.

تغییرات ایجاد شده در فعل‌های معتل نیز به منظور آهنگین نمودن کلمات و سهولت نطق و خارج کردن آن‌ها از دشواری تلفظ انجام می‌گیرد. در این درس نیز با تعداد دیگری از این افعال آشنا می‌شویم.

این درس را برای چه می‌آموزیم؟!

در درس قبل آموختیم که حروف عله گاهی اولین حرف اصلی فعل است (مثال) و گاهی حرف وسط آن (اجوف).  
حال بد نیست بدانیم آخرین حرف اصلی فعل نیز گاهی از حروف عله می‌باشد (ناقص)، و این امر نیز باعث می‌شود وزن و آهنگ جدیدی برای فعل ایجاد شود. صیغه‌هایی از قبیل: **يَدْعُو، اُعْفُ، لَمْ يَهْدِ** و... از این قبیل افعال هستند.

و اما روش مناسب برای یادگیری این درس:

علاوه بر بهره‌گیری از روش مطرح شده در درس قبل، توجه داشته باشیم که صیغه‌های فعل را از اول تا چهاردهم به صورت طوطی وار حفظ نکنیم! روش صحیح یادگیری این افعال این است که براساس تکرار و تمرین با صیغه‌های مختلف و همراه با ترجمه‌ی افعال باشد. و از حفظ کردن قواعد خشک و بی‌روح اجتناب کنیم، تا بتوانیم کاربرد هر صیغه را به طور جداگانه تشخیص دهیم. برای تمرین بیشتر سعی کنیم هر فعل معتلی را که در متنی یافتیم براساس آموخته‌های خود آن را بررسی کنیم تا این تغییرات، بر اثر تمرین و نه از راه حفظ قواعد، ملکه‌ی ذهنمان گردد!

ناقص

به وزن و موسیقی الفاظ ذیل توجه کنیم:

دَعَا (دعا کرد، فراخواند)	هَدَى (هدایت کرد)
رَجَا (امید داشت، تقاضا کرد)	رَمَى (پرتاب کرد، انداخت)
تَلَا (تلاوت کرد)	مَشَى (راه رفت)
عَفَا (عفو کرد)	جَرَى (جاری شد، جریان یافت)

همه‌ی کلمات فوق فعل هستند!

یک بار دیگر فعل‌های فوق را بخوانیم و تکرار کنیم!

به الگوهای زیر توجه کنیم:

دعا	دَعَتْ	هَدَى	هَدَتْ
دَعَوَا	دَعَتَا	هَدَيَا	هَدَتَا
دَعَوَا	دَعَوْنَ <sup>(۱)</sup>	هَدَاوَا	هَدَيْنَ <sup>(۱)</sup>

تغییر

آیا می‌توانیم در صیغه‌های فوق ضمایر را پیدا کنیم؟  
کدام یک از سه حرف فعل‌های «دعا» و «هدی» در صیغه‌های مختلف تغییر کرده است؟

تدریب

حال مطابق الگوهای فوق، جاهای خالی را پر کنیم:

...	رَمَى	...	تَلَا
...	...	...	...
...	...	...	...

التعمیر والتقسیم

إملاً الفراغ بالضمير المناسب:

... هَدَيْتُمْ . — ... رَمَوْا .

... دَعَوْنَا . — ... تَلَوْنَا .

إملاً الفراغ بالصيغة المناسبة:

... (تَلَا) . — ... أَنْتِ . (دعا)

... (رَمَى) . — ... أَنْتُمْ . (هَدَى)

۱- تمام صیغه‌های مخاطب و متکلم بر وزن همین صیغه‌ی اخیر هستند و همین‌گونه صرف می‌شوند.

«الف» در آخر فعل‌های ناقص همیشه قلب شده یا تبدیل یافته‌ی «واو» یا «باء» است.

اگر حرف عله در ماضی به شکل «الف» نوشته شود، در تشبیه‌ی مذکر و ... به «واو» تبدیل می‌شود.

اگر حرف عله در ماضی به شکل «ی» نوشته شده باشد، در تشبیه‌ی مذکر و ... به «باء» تبدیل می‌شود.

به الگوی زیر توجه کنیم :



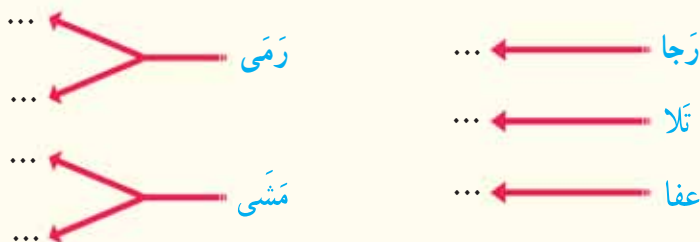
آیا با وزن و آهنگ فعل های مضارع فوق آشنا هستیم؟  
مطابق الگوی فوق، فعل های ماضی آغاز درس را به مضارع تبدیل کنیم.  
فعل های ساخته شده را بخوانیم و چندین بار تکرار کنیم تا آهنگ و وزن این افعال، ملکه‌ی ذهنمان شود!

اکنون به الگوی زیر توجه کنیم :



تدریب

حال طبق الگوی فوق، جاهای خالی را با فعل مضارع مناسب پُر کنیم :



١ ترجم الأفعال التالية:

— يَمْشُونَ، يَرْجُو، يَهْدُونَ، يَرْمِينَ

٢ عَيْنُ الصَّحِيحِ:

— هما يَهْدِيَانِ. — هُنَّ يَتَلَوْنَ. — هما تَلِيَا.  
 — هم يَرْمِينِ. — هي يَرْمِي. — هُنَّ هَدَوْنَ.

مِثَالَاتٌ

اکنون به آهنگ و وزن صیغه های مخاطب فعل های ناقص توجه کنیم :

تَهْدِيْنَ	↔	تَهْدِي	↔	تَدْعِيْنَ	↔	تَدْعُو
تَهْدِيَانِ	↔	تَهْدِيَانِ	↔	تَدْعُوَانِ	↔	تَدْعُوَانِ
تَهْدِيْنَ	↔	تَهْدُوْنَ	↔	تَدْعُوْنَ	↔	تَدْعُوْنَ

فعل های فوق را چند بار بخوانیم و تکرار کنیم!  
 آهنگ و وزن فعل های فوق را به خاطر بسپاریم!  
 با انجام مسابقات پرسش و پاسخ، صیغه های مختلف خوانده شده را تمرین کنیم!

تَدْرِيبُ

اکنون مطابق الگوی فوق، صیغه های مخاطب فعل های زیر را صرف کنیم :

...	تَرْمِي	...	تَتَلُوْ
...	...	...	...
...	...	...	...



عَرِّبِ الْعِبْرَاتِ الثَّالِيَةَ:

- آیا خدایت را با اخلاص می خوانی؟
- آنان به خدای خود امید دارند.
- شما قرآن را تلاوت می کنید.
- مؤمنان، گمراهان را هدایت می کنند.

الْمُسْتَعَارُ

آیا طریقه ی ساخت و به کارگیری فعل های امر، را به خاطر می آوریم؟! برای یادآوری بیشتر، ساخت فعل های امر صیغه های «نَصْرُ، فَتَحَ، جَلَسَ» را با هم در کلاس تمرین کنیم!

- ✓ چرا در آغاز صیغه های امر فوق، از همزه استفاده کردیم؟
- ✓ حرکت همزه ی اول فعل امر، چگونه است؟
- ✓ آخر صیغه های امر چه تغییراتی کرده است؟



اکنون به الگوی ذیل توجه کنیم:

تَدْعُو ← أَدْعُ      تَهْدِي ← إِهْدِ

**تدریب** با الگوبرداری از نمونه ی فوق، جاهای خالی را پر کنیم:

...	تَمْشِي	...	تَتَلُو
...	تَرْمِي	...	تَرَجُّو
...	تَقْضِي	...	تَعْفُو

صیغه‌های مختلف فعل امر افعال فوق را بسازیم و ترجمه کنیم.

## نکته‌ها

❶ به الگوی زیر توجه کنیم :

لم + يَهْدِي ← لم يَهْدِ      لم + يَدْعُو ← لم يَدْعُ

اکنون مطابق الگوی فوق، جاهای خالی را پر کنیم :

لم + تَمْشِي ← ...

لم + تَنْلُو ← ...

بنابراین :

فعل‌های ناقص بدون ضمیر بارز، هرگاه مجزوم شوند، حرف عله از آخر آن‌ها ... می‌شود.

❷ با دو گروه از فعل‌های ناقص آشنا شدیم :

دَعَا - يَدْعُو      هَدَى - يَهْدِي

دانستیم که تفاوت‌های ظاهری موجود میان این دو گروه، در نحوه‌ی صرف افعال ماضی و مضارع و امر تأیراتی برجای می‌نهد، اکنون می‌خواهیم با گروه سوم از فعل‌های ناقص آشنا شویم :

رَضِيَ - يَرْضَى      خَشِيَ - يَخْشَى      نَسِيَ - يَنْسَى

حال به الگوی زیر توجه کنیم :

رَضِيَ      للغائبين      رَضُوا

اکنون با توجه به الگوی فوق، جای خالی را پر کنیم :

...      نَسِيَ

...      خَشِيَ

حال صیغه‌های مضارع سه فعل فوق را صرف کنیم ؛ توجه داشته باشیم که حرکت عین الفعل

در این گروه از فعل‌های مضارع، مفتوح است (يَخْشُونَ، يَخْشِينَ، تَخْشُونَ)

❸ بسیاری از افعال مزید از قبیل ؛ أَرَادَ، اسْتَرَاخَ، اسْتَقَامَ، اِهْتَدَى، انْقَضَى، همانند

فعل‌های ماضی مجرد خود صرف می‌شوند.

❹ مضارع «رَأَى» به معنای «دید» استثناءً «يَرَى» می‌شود.

# تَمَارِينُ

## الْعَمْرِينَ الْأَوَّل

لِلتَّطْبِيقِ

اقْرَأِ النَّصَّ التَّالِيَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ:

مَرَضَ رَجُلٌ عَجُوزٌ وَعَجَزَ أَنْ يَمْشِيَ عَلَى رِجْلَيْهِ. فَسَعَى ابْنُهُ أَنْ يَتَخَلَّصَ مِنْ أَبِيهِ. ذَاتَ يَوْمٍ حَمَلَهُ عَلَى ظَهْرِهِ لِيَدْعَهُ خَارِجَ الْمَدِينَةِ. اسْتَسَلَّمَ الْأَبُ الْمَسْكِينُ وَلَمْ يَنْهَ وَلَدَهُ؛ لِأَنَّهُ لَمْ يَرْجُحْ هِدَايَتَهُ. وَفِي الطَّرِيقِ شَعَرَ الْابْنُ بِالتَّعَبِ؛ فَتَوَقَّفَ قُرْبَ شَجَرَةٍ لِيَسْتَرِيحَ. حِينَئِذٍ نَظَرَ الْوَالِدُ إِلَى الشَّجَرَةِ ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْعِبَارَةَ الشَّرِيفَةَ: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ»! سَأَلَ الْوَلَدُ: مَا بَكَ؟! قَالَ الْعَجُوزُ: لَا أَنْسَى حِكَايَتِي مَعَ

والذي... حَمَلْتُ وَالَّذِي الَّذِي لَمْ يُسَفِّ مِنْ مَرَضِهِ، إِلَى خَارِجِ الْمَدِينَةِ وَالْقَيْئَةِ إِلَى زَاوِيَةٍ وَتَرَكَتُهُ. وَهَا أَنَا الْآنَ أَلْقَى جِزَاءَ عَمَلِي!

سَمِعَ الْوَلَدُ فَحَسِبِي مِنْ عَاقِبَةِ أَمْرِهِ فَوَقَعَ عَلَى قَدَمِي أَبِيهِ وَقَالَ: أَبْتَاهُ! عَفْوًا... عَفْوًا... إِرْضَ عَنِّي... أَعْفُ خَطِيئَتِي... أَدْعُ رَبِّكَ أَنْ يَعْفُوَ ذَنْبِي الْعَظِيمَ!...

\*\*\*

- ١ عَيِّنِ الْأَفْعَالَ الْمَعْتَلَّةَ فِي النَّصِّ.
- ٢ هَلْ لَقِيَ الْوَالِدُ جِزَاءَ عَمَلِهِ؟
- ٣ هَلْ تَابَ الْوَلَدُ مِنْ ذَنْبِهِ؟
- ٤ اجْعَلْ عِنَاوَانًا مُنَاسِبًا لِلْقِصَّةِ.

املاً الفراغ بالصيغة المناسبة:

١ ﴿ وعبادُ الرحمن الذين ... على الأرض هوناً ﴾ (المضارع من مَشَى -)

٢ ﴿ أتأمرون الناس بالبرِّ و ... أنفسكم ﴾ (المضارع من نَسِيَ -)

٣ اللهم ... كلَّ مريضٍ! (الأمر من تَشْفَى)

٤ اللهم ... دِينَ كلِّ مدينٍ! (الأمر من تَقْضِي)

عين الصحيح في الإعراب والتحليل الصرفي للكلمات التالية:

﴿ إِنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ ﴾

يرث :

الف - فعل مضارع، معتلٌّ و ناقصٌ، متعدِّ / فعلٌ مرفوعٌ و فاعله «عباد» والجملة فعليةٌ و خبر إنَّ

ب - فعل مضارع، معتلٌّ و مثال، مبنيٌّ للمعلوم / فعلٌ و فاعله «عباد» والجملة فعليةٌ و خبر إنَّ و مرفوعٌ محلاً

عباد :

الف - اسم، مفرد، مشتق و صفة مشبهة، معرّفٌ بالإضافة / فاعلٌ و مرفوعٌ

ب - اسم، جمع تكسير ومفرده «عبد»، معرب، منصرف / فاعلٌ و مرفوعٌ

الصالحون :

الف - اسم، جمع سالم للمذكر، معرب، منصرف / نعتٌ و مرفوعٌ بالواو

ب - اسم، مشتق واسم فاعل، معرّفٌ بآل / نعتٌ و مرفوعٌ بالنون





1 پاره‌ای افعال در زبان عربی دو مفعول می‌گیرند: رزق، زاد، أعطی، جعل...

هنگام ترجمه به فارسی دقت کنیم که معمولاً یکی از دو مفعول با علامت «را» و دیگری بدون علامت و یا همراه حرف متمم می‌آید: إلهي اَرْزُقْنِي الصَّبْرَ الْجَمِيلَ! = خدایا به من صبر جمیل را روزی ده! جَعَلْتِكَ أَمِينًا عَلَى أَسْرَارِي = تو را بر اسرار خویش آمین قرار دادم. مفعول در زبان عربی، گاهی در ترجمه‌ی فارسی، همراه حرف

2 اضافه به کار می‌رود:

بلغتُ المنزلَ = به خانه رسیدم.  
جاهد المشرکین = با مشرکان جهاد کن!  
سألتُ المعلمَ: از معلم پرسیدم.  
أجابهُ: به او پاسخ داد.  
نال غایته: به هدف خود رسید.  
جاءهُ: نزد او آمد.

قواعدی که به کار درک  
مطلب و ترجمه نیاید، و یا  
ما را در به کار بردن صحیح  
کلمات یاری ننماید، مفید  
فایده نیست.

علم «نحو» می‌بایست  
در خدمت ترجمه  
قرار گیرد.

\*\*\*

## اقرأ النص التالي و ترجمه إلى الفارسيّة:

تَظَهَّرَ ظَاهِرَةٌ «قَوْسِ قُزَحٍ» مَعَ أَلْوَانِهَا الْجَمِيلَةِ فِي الْأَيَّامِ الْمَطْرَةِ. وَهَذِهِ الْأَلْوَانُ تَجْعَلُ السَّمَاءَ خَلَابَةً. وَلَكِنْ هَذَا الْأَمْرُ كَانَ سَبَبًا فِي سَجْنِ أَحَدِ عُلَمَاءِ الرُّومِ فِي الْقُرُونِ الْمَاضِيَةِ! كَانَ الرُّومِيُّونَ يَعْتَقِدُونَ أَنَّ قَوْسَ قُزَحٍ عَذَابٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِعِقَابِ النَّاسِ. وَلَكِنَّ هَذَا الْعَالَمَ كَانَ قَدْ اعْتَقَدَ بِمَا كَتَبَهُ الْعَالَمُ الْمُسْلِمُ قُطْبُ الدِّينِ الشِّيرَازِيُّ الَّذِي هُوَ أَوَّلُ مَنْ أَجَابَ السَّائِلِينَ عَنِ أَسْرَارِ هَذِهِ الظَّاهِرَةِ حِينَ اكْتَشَفَ أَنَّ قَوْسَ قُزَحٍ يَحْدُثُ بِسَبَبِ انْكِسَارِ ضَوْءِ الشَّمْسِ فِي قَطْرَاتِ الْمَاءِ الصَّغِيرَةِ الْمَوْجُودَةِ فِي الْجَوِّ عِنْدَ نَزُولِ الْأَمْطَارِ. فَحَكَمَ الرُّومِيُّونَ عَلَى عَالِمِهِم بِالسَّجْنِ مَدَى الْحَيَاةِ. فَلَمَّا مَاتَ، أَحْرَقُوا جَسَدَهُ...! فِي تِلْكَ الْفَتْرَةِ كَانَ الْمُسْلِمُونَ قَدْ بَلَّغُوا مَنْزِلَةً رَفِيعَةً فِي الْعُلُومِ وَرَفَعُوا رَايَةَ التَّوْحِيدِ بِيَدٍ وَمَشَعَلَ الْهُدَايَةَ بِالْأُخْرَى!

برای افزایش گنجینه‌ی واژگانی  
خویش و به کارگیری ساختار  
صحیح عبارات، هنگام ترجمه،  
متون ادبی فارسی و دواوین  
شعرا و ادبای فارسی‌زبان را  
زیاد مطالعه کنیم!

اگر می‌خواهیم در زمینه‌ی  
ترجمه، توانایی لازم را  
به دست آوریم، می‌بایست قلم  
به دست گیریم و ترجمه‌هایمان  
را نوشته و اشتباهات خود را  
یادداشت کنیم.

# الصور الجمالية في القرآن الكريم

دو رکن اساسی جمله «مسند» و «مسند إليه» هستند.

«مسند» می تواند به صورت «فعل» و یا «اسم» بیاید.

فعل مقید به یکی از زمان های سه گانه است (گذشته، حال، آینده). متکلم هنگامی که در جمله ی خود از فعل استفاده می کند، در حقیقت جمله ی خود را محدود و مقید ساخته است و آن را از عمومیت و شمول زمانی بر کنار داشته است. اما اسم از این ویژگی خالی است. از این رو زمانی که متکلم به جای «فعل» از «اسم» برای افاده ی مقصود خود بهره می گیرد، در حقیقت به دنبال تثبیت معنای مورد نظر در ذهن مخاطب و خارج کردن آن از محدوده ی زمان است. به آیات ذیل توجه کنیم سپس آن ها را باهم مقایسه نماییم:

﴿ ١ ﴾ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذَّنُوبَ جَمِيعًا ﴿﴾

﴿ ٢ ﴾ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿﴾

﴿ ٣ ﴾ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿﴾

﴿ ٤ ﴾ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ﴿﴾

با ترجمه ی تحت اللفظ نمی توان همه ی زیبایی ها و معانی موجود در یک عبارت را دریافت!

بلاغت یعنی «مفهوم نحو»!  
فاعل و مفعول و مبتدا و خبر  
ظاهر «نحو» است، اما علت به  
کارگیری آن ها و دلیل استفاده  
از آن ها در جای خاص و...  
همان «مفهوم نحو» است!

در آیه ی اول صفت غفران برای خداوند مورد تأکید قرار گرفته است و همین طور صفت رزاقیت در آیه ی دوم، اما این دو صفت در آیه ی سوم و چهارم ثبوت و استقرار و تأکید بیشتری دارد، آیا می دانید چرا؟! \*

\*\*\*

در آیات ذیل مشخص کنید کدام آیه مفهوم مورد نظر خود را با تأکید بیشتری بیان کرده است:

﴿ ١ ﴾ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ ﴿﴾ و ﴿ ١ ﴾ [اللَّهُ] خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ ﴿﴾

﴿ ٢ ﴾ وَاللَّهُ يُحْيِي وَيُمِيتُ ﴿﴾ و ﴿ ٢ ﴾ إِنَّ ذَلِكَ لَمُحْيِي الْمَوْتَى ﴿﴾

﴿ ٣ ﴾ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ ﴿﴾

إِقْرَأِ النَّصَّ التَّالِيَ وَ تَرْجِمَهُ:

سُئِلَ الْإِمَامُ عَلِيُّ (ع) عَنِ الْخَيْرِ؛ مَا هُوَ؟ فَقَالَ:  
لَيْسَ الْخَيْرُ أَنْ يَكْثُرَ مَالُكَ وَ وَلَدُكَ، وَلَكِنَّ الْخَيْرَ أَنْ  
يَكْثُرَ عِلْمُكَ وَأَنْ يَعْظُمَ حِلْمُكَ وَأَنْ تُبَاهِيَ النَّاسَ بِعِبَادَةِ  
رَبِّكَ! فَإِنْ أَحْسَنْتَ، حَمِدَتَ اللَّهَ وَإِنْ أَسَأْتَ، اسْتَغْفَرْتَ  
اللَّهَ. وَلَا خَيْرَ فِي الدُّنْيَا إِلَّا لِلرَّجُلَيْنِ: رَجُلٌ أَدْنَبَ دُنُوبًا فَهُوَ  
يَتَدَارَكُهَا بِالتَّوْبَةِ، وَرَجُلٌ يُسَارِعُ فِي الْخَيْرَاتِ.  
(حِكْمَةٌ ٩٤)

تدارك : جبران كرد

رَجُلٌ : مرد، فرد، انسان

ولد : فرزند، فرزندان

❶ سوره‌های جزء سی‌ام قرآن را در کلاس تقسیم کنیم و فرهنگ لغتی از افعال معتل قرآن - جزء سی‌ام - تهیه کنیم.

❷ دانش‌آموزان کلاس را به چند گروه تقسیم کنیم سپس در صدد تهیه‌ی فرهنگ لغت دعای «افتتاح» (افعال «معتل و صحیح» و اسماء) براییم.

❸ برای آموزش فعل‌های معتل، وسایل کمک آموزشی (از قبیل کارت‌های بازی و... ) بازی‌های آموزشی و مسابقات علمی تدارک بینیم!

